

تحلیلی بر بزرگداشت روز جهانی کارگر سال ۸۸

در پارک لاله تهران

عباس آرین نژاد

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

کینه توزی حکومت سرمایه علیه کارگران و فعالین روی حکومت دیکتاتوری پهلوی و پلیس نازی را سفید کرد

کمیته برگزاری روز جهانی کارگر مرکب از سه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران؛ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه؛ سندیکای نقاشان و تزیینات ساختمان؛ شورای زنان چهارتشکل کارگری و جمعی از فعالین مستقل کارگری؛ برنامه ای برای بزرگداشت روز جهانی کارگران در پارک لاله تهران اعلام نمودند و رسانه های خارج از کشور نیز به دفعات اطلاع رسانی نمودند.

از روزهای قبل؛ وزارت اطلاعات حکومت عده زیادی را احضار و یا تماس گرفت و ممنوعیت برگزاری روز جهانی کارگر را اخطار نمودند. روز جمعه ۱۱ اردیبهشت هنگام ورود به پارک حضور سنگین و گسترده پلیس و نیروهای امنیتی کاملاً محسوس بود و هر کس که بدون اطلاع قبلی و برای تفریح از هر نقطه ای وارد می شد حضور گسترده گشت های پلیس را در خودروهای گشت ارشاد و غیرو مشاهده می کرد؛ پلیس مخفی نیز سراسر پارک را اشغال کرده و هر جنبه ای را زیر نظر داشتند؛ میدان آب نما که محل برگزاری اعلام شده بود از طرف همه ورودی ها محاصره شده بود. البته نیروهای پلیس کودن تر از درک تاریخی هستند ولی رهبران آن باید خوبی بخاطر داشته باشند که سرکوب پلیسی راه حلی برای بحران های اقتصادی - اجتماعی نخواهد بود؛ زیرا در غیر اینصورت هنوز پلیس و گارد شاهنشاهی در ایران و پلیس آلمان نازی بر اروپا حکومت می کرد.

پلیس کلیه افراد حاضر در پارک و سلام و احوالپرسی زیر لبی و با اشاره و حتی نگاه ها را زیر نظر قرار داشت و قبل از شروع مراسم برای برخی از حاضرین که فقط روی سکوها نشسته بودند با ایجاد مزاحمت؛ تهدید به دستگیری می کرد و حتی از رابطه پدر و دختری که مجاور هم نشسته بودند سؤال می کرد و به انحاء مختلف سعی در متفرق نمودن افراد حاضر داشت؛ فرماندهی ارشد پلیس در محل مستقر بود و دستورات را مستقیم صادر می کرد. اما اینهمه مانع از این نشده بود که حاضرین محل را ترک کنند و محکم و استوار برای شروع مراسم آماده بودند.

پس از گذشتن ساعت مقرر شروع برنامه و بی قراری و بی تابی حاضرین برای شروع مراسم فشار پلیس بیشتر می شد و با شروع جنب و جوش از یک ناحیه ناگهان بدون هیچ گونه دلیلی شروع به ضرب و شتم و دستگیری حاضرین نمود؛ صورت چند نفر از حضری زخمی و خون آلود شده بود و حتی یکی از مأمورین لباس شخصی پلیس قبل از اینکه بتواند خود را معرفی کند مورد ضرب و شتم شدیدی قرار گرفت؛ سپس بخشی از نیروهای پلیس به خانواده هایی که زیر انداز و بساط برای هوا خوری پهن کرده بودند یورش برد و با سبعیت تمام همه را مجبور به خارج شدن از پارک می نمود. پلیس آنقدر تحریک و وحشی شده بود که اگر خشونت کمتری بکار می برد

خانواده های مستقر در پارک با باران شدید بهاری که شروع شده بود خود خارج می شدند.

حدود یکصد و پنجاه نفر دستگیر و نهایتاً حدود ۷۰ نفر زندانی شدند دستگیر شدگان پس از انتقال به پاسگاه نیروی انتظامی به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شدند و برای برخی از آنها قرار بازداشت صادر گردید و بازجویی از آنها ادامه دارد و برای برخی نیز با تکمیل پرونده قرار وثیقه صادر شده است.

لازمست که اعلام این برنامه و نتیجه و تبعات این حرکت مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل شود

۱- علت این همه خشونت و سببیت پلیس و حکومت سرمایه چه بود؟

۲- آیا اعلام علنی بزرگداشت روز جهانی کارگر با توجه به تبعات آن ارزش آنرا داشت؟ و بهتر نبود مثل سالیانه قبل بصورت گلگشت در یک نقطه دور افتاده خارج از تهران ضمن تفریح؛ روز کارگر را برگزار کرد؟

۳- یا مثل کارگران فلزکار- مکانیک بهتر نبود که مراسم را در یک محیط خصوصی و در بسته برگزار کرد؟ البته با توجه به اینکه آنها هم امسال در محل تعاونی مصرف خود مورد یورش پلیس قرار گرفته و از ۷۰ نفر شرکت کننده حدود سی نفر دستگیر شدند محافل را خصوصی تر و چند نفره برگزار کرد؟

درمورد سؤال اول چند دلیل را می توان علت یورش خشونت آمیز پلیس عنوان کرد:

اول اینکه پس از سرکوب خونین دهه های گذشته و یورش به صفوف مستقل کارگری و فعالان؛ امسال اولین بارقه بزرگداشت روز جهانی کارگر توسط تشکل های مستقل کارگری بصورت علنی بود و این امری نیست که حکومت براحتی به آن تن دهد زیرا به مفهوم شکست تمامی جنایات و سرکوبی های گذشته اش می باشد

دوم بزرگداشت این روز در سال جاری؛ در بستری از بحران های عمیق اقتصادی جهان سرمایه داری و بخصوص بحران های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکمیت در ایران است و حساسیت خواست های کارگران و آزادیخواهان بسیار بیشتر از قبل بوده و بحران های حکومتی را عمیق تر می کند؛ و البته در چنین شرایطی سرکوب که در بستر این نارضائی ها و فقدان مشروعیت ها و مقبولیت ها تنها باعث تعمیق و رادیکال شدن مبارزات کارگران و مردم بجان آمده و آزادیخواه خواهد شد

سوم اینکه این درست است که حکومت از تشکل های متفرق کارگری و آزادیخواهی احساس خطر نمی کند و تا حدودی فعالیت های محدود و محفلی آنان را تحمل می کند اما این فعالیت های متفرق اساساً با فعالیت های متحد؛ یکپارچه و سازمان یافته و ظرف تشکل یابی کارگران و آزادی خواهان تفاوت دارد و اتحاد و همبستگی؛ یعنی احساس خطر سرمایه و امری نیست که حکومت آنرا نادیده بگیرد.

از روز دستگیری خانواده های زندانیان بطور خستگی ناپذیر با تجمع در برابر بیدادگاه؛ مجلس اسلامی؛ و غیره به تلاش جهت ملاقات؛ آزادی و اطلاع از سلامتی عزیزانشان اقدام کرده اند و حاکمیت سرمایه را به وحشت انداخته اند و زندانیان نیز قهرمانانه از خود دفاع می کنند؛ و بی شک اعلام برگزاری علنی روز جهانی کارگر در امسال نقطه عطفی در خیزش کارگران و مردم آزادیخواه تبدیل شده و پایه ای برای بزرگداشت با شکوهتر در سال های آینده و همچنین شناخت مستقیم کارگران از تضاد عمیق حکومت سرمایه با خود و آزادی های دموکراتیک می شوند و توهم آنان را فرو خواهد ریخت. کارگران ایران در بدترین شرایط زندگی و معیشتی بسر می برند و همه حقوق کار و تأمین اجتماعی قدم به قدم از وی سلب میشود و حمایت های ظاهری و ازسرترحم و ترس حکومت از کارگران

که بدون حق تشکل واقعی و مستقل؛ نهاد سازی و قدرت یابی کارگران بود آنها محو شده است اما درسهای این حرکت عظیم را در موارد زیر می توان جمع بندی نمود

۱- اگر تشکل های متفرق از پوسته محفلی و فرقه گرایی خود بیرون بیایند قادر به ایجاد قدرتی سازمانده و بزرگ خواهند بود و در این راستا باید منافع عام و جهان شمول کارگری و دموکراسی عمیق آن در برنامه عمل قرار گیرد همانطور که حکومت سرمایه و ارتجاع بر علیه زحمتکشان و مبارزین آزادیخواه متحدان و حتی جهانی عمل می کنند لازم است که فعالین و تشکل های کارگری نیز اتحاد عمل داخلی و جهانی خود را ایجاد کنند ؛ امری که تفرقه افکنان حکومتی سعی در اخلال در آن می کنند

۲- فعالین باید در جهت تعمیق آگاهی ها و مبارزات تئوریک؛ سیاسی و تشکیلاتی گام های موثر برداشته و از تجربیات بومی و جهانی استفاده کنند و تشکیلات خود را از نظر پلیس مخفی کنند و با تلفیق کار علنی و مخفی امر سازمان دهی و مبارزه را به پیش ببرند؛ زیرا تشکل های کاملاً علنی هر وقت که حکومت احساس خطر کند براحتی توسط پلیس قلع و قمع می شوند

۳- محافل و تشکل های کارگری تنها در عرصه "عمل اجتماعی" - و البته با پشتوانه تئوریک - به پیش خواهند رفت یعنی تنها با بحث های تئوریک نمی توان به ارتقاء مبارزات در عرصه های تئوریک؛ سیاسی؛ تشکیلاتی و عملی جنبش دست یافت ؛ حرکت متحدانه تشکل ها در روز جهانی کارگر سکوی پرتابی برای راهگشایی های تئوریک نیز بود؛ به عبارت دیگر محافل و تشکل های "درخود" در جنبش تأثیری نداشته و روز به روز رو به تحلیل و جدایی از عمل اجتماعی می روند

۴- مبارزات تئوریک تشکل ها و گرایشات مختلف لازمست از فرمول "مبارزه - وحدت" پیروی کنند و محور نمودن "مبارزه" به فرقه گرایی و محور نمودن "وحدت" به عمل گرایی و نهایتاً فقدان مبانی تئوریک می انجامد؛ البته جهت مبارزه از سمت ایدئولوژیک به سمت تاکتیک های عملیاتی می بایست سوق یابد و نهایتاً فرمول " مبارزه - وحدت " به تعمیق دیدگاه ها و تصمیم سنجیده و عاقلانه مجموعه تشکل ها در عمل منجر خواهد شد.

عباس آرین نژاد